

مصاحبه رادیو انترناسیونال استکهلم با منصور حکمت

درباره موج اخیر ترورها در ایران

رادیو انترناسیونال: در عرض یک هفته اخیر موارد دیگری از ترورهای جمهوری اسلامی را شاهد بوده ایم. ابتدا محمد مختاری و، بنا به اخباری که امروز شنیدیم، محمد جعفر پوینده، فقط یکی دو هفته بعد از قتل فروهرها. سایه ترورهای گسترده بر سر جامعه ایران سنگینی میکند، صحبت از یک لیست ۷۰-۶۰ نفره است. از طرف دیگر مراجع رسمی دولتی اظهار تاسف میکنند، ادای پیگیری و "کی بود کی بود" در میآورند و میخواهند نشان بدهند که دنبال ماجرا هستند. این چه سناریویی هست در فضای سیاسی الان ایران؟ (منصور حکمت:.. یعنی منظورتان اینست که پشت این قتلها چی هست؟) بله، چه هدفی دنبال میشود؟

منصور حکمت: خیلی روشن است، این دعوا قدیمی تر است. دعوا از ابتدا سه طرف داشت: یک طرف مردم هستند در مقابل کل رژیم اسلامی و یک دعوای فرعی هم در خود حکومت هست بین جناحهای طرفدار خشونت بیشتر و تشدید اختناق و جناحهایی که ترجیح میدهند یا فکر میکنند میتوانند با یک درجه گشایش و یک درجه سازش با بخشهایی از ناراضیان، به عمر جمهوری اسلامی تداوم بیشتری بدهند. این قتلها بنظر من دعوای حکومت با مردم است و هدف آن مرعوب کردن مردم است، هدف ترساندن مردم از ابراز نارضایتی است، ساکت کردن کسانی است که با حکومت بهر درجه حتی خفیف، حتی در چارچوب مجاز و صوری خود قوانین حکومت، اعلام نارضایتی میکنند. تصویری که میخواهند بدهند اینست که قاتلین یک عده آدم متمدن و یک باندهای مرگ در بیرون حکومت هستند. منتها خیلی روشن است که این جوخه های مرگ سرشان به خود حکومت وصل است، به خود خامنه ای، به جناحهایی که خودشان دارند اعلام میکنند حکم مرگ مخالفین را داده اند. روزنامه شلمچه را باز کنید می بینید الله کرم هر روز دارد میگوید که باید اینها را کشت. لیست شان هم خیلی روشن است. از خود صفحات شلمچه میتوانید پیدا کنید چه کسانی را میخواهند بکشند. رئیس سپاه پاسداران به همین ترتیب میگوید که باید چکار بکنند، در نتیجه جای تردیدی نیست که این قتلها کار کیست و هدف آن چیست. هدف مرعوب کردن مردم و خفه کردن روندی است که میدانند شروع شده و پایانش سرنگونی جمهوری اسلامی است.

رادیو انترناسیونال: مسئولیت این اوضاع و احوال با کیست؟ هم در صحبتهای شما الان هم در اطلاعیه دفتر سیاسی بطور خیلی مشخص و با اسم، خامنه ای-رفسنجانی-خاتمی مسئول این ترورها اعلام شده اند. هدف از این مشخص سازی چیست؟

منصور حکمت: آنچه ما میخواهیم بگوئیم اینست که تا آنجا که به مردم ایران مربوط میشود جمهوری اسلامی حکومتی یکپارچه است و خفقانی که هست محصول کل این حاکمیت است. اینطور نیست که گویا یک جمهوری اسلامی بد و یک جمهوری اسلامی خوب دارند کنار هم همزیستی میکنند و قربانیان همه مربوط به "جمهوری اسلامی بد" هستند و یک جمهوری اسلامی خوبی هم هست که گویا نمی تواند، یا قدرت این را ندارد که جلوی آنها را بگیرد. منفعت اینها هم ایجاب میکند که جمهوری اسلامی سر کار باشد و درست همین وجود

جمهوری اسلامی است که مردم نمیخواهند. مردم ایران جمهوری اسلامی نمیخواهند. مردم ایران حکومتی میخواهند که مطابق انتظار مردم این قرن باشد. آخر قرن بیست است، مردم دارند دنیا را می بینند، حکومت اسلامی یک وصله ناجور بر پیکر این جامعه است. پدیده بسیار شنیع و کثیفی است که معلوم است مردم نمیخواهندش. آقای خاتمی اگر فکر کند در بیرون چارچوب جمهوری اسلامی میتواند پرزیدنت چیزی بشود حتما اشتباه میکند. ولی خودش هم اینطور فکر نمیکند. میدانند جمهوری اسلامی باید بماند. حداکثر کاری که جناح خاتمی ممکن است از جناح خامنه ای انتظار داشته باشد اینست که اینقدر حرکات رژیم زمخت و خشن و شنیع بنظر نیاید و به شکل قابل خوردن تری پیاده شود. من فکر نمیکنم برای مثال طرفداران خاتمی از نقشه قتل فروهرها باخبر بودند چون اگر باخبر بودند به فروهر خبر میدادند تا جایش را خالی کند و خودش را در ببرد. ولی این از جناح خاتمی سلب مسئولیت نمیکند، برای اینکه خاتمی رئیس قوه مجریه دولتی است که در آن دارند سر میبرند و سنگسار میکنند. در قانون بین المللی و در هر چارچوب حقوقی، مسئول یک دولت، مسئول یک حکومت، مسئول اتفاقاتی است که به اسم آن حکومت و توسط اندامهای آن حکومت در آن جامعه دارد صورت میگیرد. خیلی باید حلقه ارفاق گشاد شده باشد که کسانی خاتمی را جزء لیست مسببین این وضعیت ندانند، حتی اگر خودش بیخبر بوده باشد. شخصا فکر میکنم جناحی که میخواهد ترور کند، قبلا ساعت و روز ترور را به خاتمی خبر نمیدهد، چون میدانند خبر درز میکند و احتمالا قربانی فرار میکند. منتها این چیزی را از مسئولیت او کم نمیکند. این حکومت اسلامی است و اینها هم سرانش هستند. همانطور که ما هیچ وزیر هیتلر را بخاطر اینکه یک درجه نسبت به قربانیان نظام فاشیستی انتظار اعتدال بیشتری داشته را از مسئولیت جنایات فاشیسم هیتلری معاف نمیکنیم. الان هم مسخره است کسی یکی از آخوندهای حاکم بر آن مملکت را مستثنی بکند. بحث ما اینست این کار حکومت جمهوری اسلامی است. در هر دادگاه بین المللی میشود این را ثابت کرد که این کار حکومت جمهوری اسلامی است. اینکه کسی، مثلا خاتمی، بیاید ادعا کند که من خبر نداشتم، خوب این دفاعیه آن متهم در آن دادگاه است. ولی تا قبل از چنان دادگاهی، تنها حرف صحیح، حقیقی و انسانی اینست که این دولت را مسئول این جنایات بشمارند همانطور که هست.

رادیو انترناسیونال: شما در جواب سوال اول راجع به تاثیرات و هدف این ترورها گفتید عقب راندن مردم، بنظرتان تاثیر این ترورها بر فضای سیاسی ایران چطور خواهد بود، چقدر موفق خواهد شد ناراضیاتی های عمومی را پس بزند و در واقع مردم را بترساند؟

منصور حکمت: من فکر میکنم مشکل رویرو شدن با مردم در تمایز با رویرو شدن با یک فرد اینست که مردم، بمثابه توده مردم و یک جمعیت وسیع، یک روانشناسی ثابت و قابل پیش بینی ندارند. روانشناسی توده ای مکانیسم هایش چیز دیگری است و طور دیگری عمل میکند. یک نفر یا ده نفر را ممکن است بشود با این کار ترسانند، یا هر فرد را میشود در یک دوره ای از مرگ ترسانند، ولی وقتی که صحبت از بیست میلیون، ده میلیون، پنج میلیون یا حتی صد هزار انسان است، آنوقت مکانیسمهای حرکت این توده وسیع با یک فرد کاملا فرق میکند. ممکن است کسی را بکشند و توده مردم دقیقا برعکس انتظار قاتل عمل کنند، ممکن است این دقیقا باعث بشود که مردم قبر خود حکومت را بکنند. این تصور خام، این تصور احمقانه از طرف حکومت که میتواند با کشتن ناراضیان در داخل ایران آن حرکتی که مردم برای واژگونی اش کرده اند را

خنثی کند خیلی کوردلی است. بنظر من خیلی بیشعوری و حماقت و نداشتن یک دید تاریخی میخواهد

رادیو اترناسیونال: ... حتی بصورت موقت؟

منصور حکمت: موقت؟ چرا. یک ماه، پانزده روز، بیست روز. ولی نقطه تعادل سر جایی که واقعا هست برمیگردد. شما برای اینکه ببینید مردم چکار میکنند باید به انتظاراتشان از زندگی نگاه کنید، به وضع اقتصادی کشور، به ساختارهای حقوقی، به اوضاع فرهنگی کشور نگاه کنید و خیلی عینی بگوئید آیا این مردم این قالب را بخودشان تحمل میکنند؟ حاضرند در این مناسبات زندگی کنند؟ این فقر را میتوانند تحمل کنند یا نه. اگر کسی به یک عده آدمی که از یک نظام بتنگ آمده اند شلیک کند، آنها چه بسا سرنگونش کنند. این درسی است که جمهوری اسلامی دارد میروود که بگیرد، همانطور که رژیم شاه گرفت. بنظر من درست است که عده کمی را برای مدت کمی میشود مرعوب کرد، اما عده زیادی را برای مدت طولانی هیچ وقت نمیشود مرعوب کرد.

رادیو اترناسیونال: در حال حاضر کم نیستند از جریانات اپوزیسیون حتی در بین آنهائی که قبلا جزء طرفداران خاتمی دسته بندی میشدند، که خواهان اقدامات رادیکال تر علیه جمهوری اسلامی و بمنظور متوقف کردن موج این ترورها هستند. شما فکر میکنید چه باید کرد؟

منصور حکمت: فکر میکنم طبیعی است که طرفداران خاتمی خواهان ختم ترورها باشند، چون خاتمی خودش مشخصا نماینده آن بخش در حاکمیت است که میخواهد جمهوری اسلامی حتی المقدور بدون ترور و بدون آنتاگونیسم شدید با جامعه و با درجه ای سازش با مخالفین خودش یا بخشی از این مخالفین سر کار بماند. در نتیجه نفس ادامه پیدا کردن سیاست ترور، از نظر خودشان به معنای از بین رفتن فلسفه وجودی خاتمی در جامعه است. اگر بنا باشد جمهوری اسلامی حکومت نظامی برپا کند، یا جوخه های مرگش به جان مردم بیفتند، آنوقت هر آدمی سر کوچه میپرسد پس این خاتمی چکاره است و نقش او چیست؟ آنوقت خاتمی دو روز دیگر هم سر کار نمیماند. اگر بناست خاتمی حتی نقش جناحی خودش را در آن کشور بازی کند، یا طرفدارانش امیدی داشته باشند که همین درجه که بعنوان طرفدار خاتمی امکان ابراز وجود پیدا کرده اند را حفظ کنند، باید به این ترورها اعتراض بکنند و مسجل است که میکنند. اما اینکه رئیس جمهور مملکت بیاید پلیس و پاسبانها را خبر کند بگوید حتما بروید قاتلان را پیدا کنید و تاکید کند که از آنها میخواهد قاتلان را پیدا کنند، این جوک است. چون هر بچه مدرسه ای در ایران میتواند دست پلیس را بگیرد ببرد در خانه قاتل. من میتوانم به شما بگویم اینها کی هستند و آدرسشان کجاست، برای اینکه اینها روزنامه دارند، مجلس دارند، دولت دارند، علنا دارند میگویند که یک عده ای را میخواهند بکشند. در هر سیستم حقوقی در جهان اگر کسی بقتل برسد و معلوم باشد که پیروزش یکی او را تهدید به مرگ کرده، اولین کاری که میکنند اینست که میروند آن کسی را که مقتول بیچاره را تهدید به مرگ کرده میآورند و میگویند مثل اینکه شما تهدیدتان را عملی کرده اید؟ یعنی اولین مظنون هر پرونده قتل از نظر حقوقی کسی است که منفعتی در مرگ طرف داشته، که این یعنی خود جمهوری اسلامی، و از آن بالاتر، قبلا طرف را تهدید به مرگ یا اعمال خشونت کرده است. این مثل روز روشن است. بروند حسین الله کرم را بگیرند بنشانند و بخواهند همدستانش را

معرفی کند؟ بروند دفتر روزنامه شلمچه دو دقیقه بنشینند، تا قهرمانان آن خط مشی را پیدا کنند و بفهمند قاتلان و چاقوکشان چه کسانی بوده اند. بروند از سید علی خامنه ای بپرسند قاتلین چه کسانی اند. اینها میدانند قاتلین کی ها هستند. خودشان هستند، با کمک نهادهای سرکوب و جاسوسی خود رژیم، ساعت و روز و دقیقه و نحوه زدن و نحوه فرارشان را تعیین کرده اند. همه اینها مسجل است، بنابراین وقتی احمقی مثل خاتمی پا میشود خواستار شناسایی قاتلین میشود، وقتی مفسرین میگویند آقای رئیس جمهور در فلان اجلاس تاکید کردند که از نیروهای انتظامی میخواهند بروند قاتلان را پیدا کنند، بنظر من فقط دارند سعی میکنند در ذهن خودشان حماقتشان را به مردم تسری بدهند. ولی مردم که احمق نیستند، مردم میدانند چه کسانی اینها را کشته اند. در نتیجه طرفداران خاتمی که اصرار دارند به اینکه قاتلان باید شناسائی بشوند، آنها هم بنظر من جزء این روند تحمیق مردم اند. باید خجالت بکشند. امروز فقط یک حرف میشود زد و آن اینکه جمهوری اسلامی فروهرها را کشته، مخالفین و ناراضیان دیگر را کشته. لیست شصت هفتاد نفره که چیزی نیست. لیست اینها خیلی وسیع تر از این حرفهاست. بسته به امکانات و دسترسی شان، از یک لیست چند هزار نفره هرکس را بتوانند میکشند، چه در داخل و چه در خارج. اینها دانسته است. حالا خبرنگار بی بی سی یا فلان بادمجان دور قاب چین جمهوریخواه هرچه میخواهد بگوید. بنظر من الان بر مردم ایران است که به این حرفها گوش ندهند و یکصدا بگویند که این کار رژیم اسلامی است و به همین دلیل محکومش کنند.

رادیو اترناسیونال: اقداماتی که خود حزب در این زمینه انجام میدهد چه خواهد بود؟

منصور حکمت: راستش من فکر میکنم عکس العمل ما و همینطور عکس العمل خیلی های دیگر به این قضیه ضعیف و ناکافی بود. ما در چند کشور تظاهرات گذاشتیم ولی بنظر من درک نادرستی که شاید در صفوف ما هم عمل کرده باشد و شاید برای دیگران هم عمل کرده باشد، این است که گویا چون فروهر در ابتدا وزیر کار جمهوری اسلامی بوده، یا در دوران جوانی اش عضو یک سازمان دست راستی بوده و اصلا همین الان هم حزب ملت ایران یک سازمان ناسیونالیستی است، مرگش نباید با آن شدت و حرارتی مورد عکس العمل ما قرار بگیرد که برای مثال مرگ یک سوسیالیست یا یک کمونیست یا یک فرد آزاداندیش در آن جامعه. بنظر من این تلقی صحیحی نیست، ما در یک نبرد هستیم با جمهوری اسلامی و این ترورها بخشی از جنگ جمهوری اسلامی علیه مردم است، علیه ماست و همه کسانی که در آن مملکت آزادی میخواهند. شنیع بودن و فجیع بودن این قتل یک نمایش از خصلت جمهوری اسلامی است. ما باید در این شرایط نیروی عظیمی را به میدان بیاوریم و رژیم را از این کارش پشیمان کنیم. مهم نیست چه کسی را کشته اند، مهم نیست کسی که کشته شده خودش در یک دوره ای چقدر توهم داشته به این رژیم. رفتند خانه دو نفر بجرم ناراضی بودن از وضع مملکت با کارد سلاخی شان کرده اند و آمده اند بیرون، دو نفر که حق حیات داشته اند، حق ابراز نظر داشته اند. و این سمبل موجودیت جمهوری اسلامی است. اعتراض کردن علیه این وضعیت به داغ ترین و پرحرارت ترین وجه، بمعنی تایید خط مشی سیاسی داریوش فروهر یا هر قربانی دیگر این جنایات نیست. بمعنی نشان دادن اعتراض به نفس نظام اجتماعی کثیفی است که در آن آدمها را بجرم ناراضی بودن سلاخی میکنند. بنظر من، ما میبایست خیلی قاطع تر از این عمل میکردیم. در ایران هیچ سازمانی نیست که بتواند حرکتهای وسیع سازمان بدهد و هر کس هم چنین ادعائی بکند دارد صرفا بازارگرمی میکند، ولی در خارج

کشور که تناسب قوا بنفع اپوزیسیون است و فضا میتواند دست اپوزیسیون باشد بنظر من میبایست روزگار رژیم را سیاه میکردیم. هنوز هم باید بکنیم. کاری باید بکنیم که شبهه دیپلمات ایرانی را در خارج کشور بعنوان یک قاتل نگاه کنند، باید جرات نکنند سفارتشان را باز نگه دارند. باید جرات نکنند دهنشان را باز کنند، تا چه رسد به اینکه از پانلهای بی بی سی سر در بیاورند و مورد مصاحبه رادیوهای دولتهای غربی قرار بگیرند. و تازه بحث آقای خاتمی "معتدل" و "میانه رو" هنوز هم ورد زبان رسانه های غربی باشد. رفتار این رسانه ها واقعا خجالت آور است. من فکر میکنم خیلی بد عمل شد. فکر میکنم در پی قتل فروهرها و بعد کسان دیگر، در مجموع با همه اعتراضی که علیه آن شد، رژیم جمهوری اسلامی جواب دندان شکنی را که میبایست از مردم نگرفت، بخصوص در خارج کشور که تناسب قوا بنفع ماست.

رادیو انترناسیونال: بله، در پایان اگر شما مطلبی میخواهید مطرح بکنید بفرمائید.

منصور حکمت: میخواهم توجه شنوندگان شما را به چند نکته جلب کنم، یکی اینکه اعتراض علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور معمولاً روی دوش گروههای سیاسی بوده. الان باید این وضع تغییر بکند. میتینگ ها و تظاهراتهای گروههای سیاسی در خارج کشور در مجموعه های چند ده نفره و چند صد نفره صورت میگیرد، در صورتیکه در شهری که این تظاهراتها در آن صورت میگیرند چه بسا چندین هزار و گاهی چندین ده هزار انسان وجود دارند که از ایران فرار کرده اند آمده اند یک محیط دیگر برای اینکه محیط ایران را قابل تحمل نمیدانسته اند و برایشان قابل تجسم است که مردم ایران چه میکشند. الان وارد دوره ای جدیدی شده ایم. بنظر من باید رویمان را بکنیم به کل کسانی که آن نکبت آباد و این رژیم را میشناسند که به میدان بیایند. تظاهراتهای علیه این حکومت باید چندین هزار نفره باشد. بنظر من باید یک هوشیاری و حساسیت سیاسی میان تمام خانواده های از ایران آمده بوجود بیاید، بطوریکه مبارزه علیه جمهوری اسلامی در خارج دیگر فقط یک مبارزه سازمانی نباشد، یک مبارزه توده ای و مردمی باشد. نکته دوم اینکه حمله جدی مان را روی دولتهای غربی و رسانه های غربی و ایرانیان "اهل میدیا"یی که در این رسانه ها کار میکنند و وظیفه شان چیزی جز مشاطه گری و توجیه کردن این حکومت از مجرای حلقه خاتمی نیست بگذاریم. بنظر من باید آبرویشان را ببریم. تا جرات نکنند این برنامه ها را بخورد مردم بدهند، تا جرات نکنند بگویند "این ترورها برای چوب گذاشتن لای چرخ آقای خاتمی بوده"، حرفی که بی بی سی رو به مردم میزند، خجالت آور است! و نکته آخر اینکه یک وجه مبارزه، مبارزه علیه جنبشهای کثیف اسلامی است. کسانی که سرشان را بلند کرده اند تا به این جنبش ها حرفی بزنند فتوای اعدام گرفته اند، منتها ما چون فتوا را از قبل داشته ایم بگذارید من اینجا راحت این حرف را بزنم. فرق هست بین اسلام بمشابه یک ساختار و نهاد اجتماعی، بعنوان یک اعتقاد دینی که از دیرباز وجود داشته و ارتجاعی است و ما میخواهیم با آگاهگری افشا و منزوی اش بکنیم، با جنبش کثیف سیاسی ای که در دو سه دهه اخیر تحت پرچم اسلام راه افتاده و جز سربریدن، آدم کشتن، توی قفس کردن، محروم کردن و لگدمال کردن مردم کاری نکرده. از الجزایر همین دیروز تا قتلهای اخیر در تهران تا ماجرای مردم افغانستان. ببینید مردم پاکستان به چه روزی افتاده اند. برخاستن علیه این جنبش که تنها توصیف مناسبش صفت "کثیف" است، یک جنبش کثیف و شنیع، که در دو سه دهه اخیر پا گرفته و هرچند عمرش را از نظر اجتماعی - تاریخی کرده است ولی هنوز هست و دارد خون میریزد، حیاتی است. بنظر من

خیلی قاطع، همانطور که مردم علیه فاشیسم بلند شدند، علیه این جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی در هر نقطه جهان باشد باید بلند شد و این یکی از نکات مورد تاکید حزب کمونیست کارگری در این دوره است. ما خودمان را نه فقط روبروی اسلام بعنوان یک اندیشه ارتجاعی و عقبمانده و افیونی، بلکه مقابل یک جنبش اسلامی سیاسی قرن بیستمی می بینیم که دارد در منطقه وسیعی از جهان کشتار میکند. و کاری کرده که حتی در جهان غرب که برای مثال سنت‌های لیبرالی و آزاداندیشانه داشته، از ترس تروریسم آن، میدان به دست یک عده راسیست افتاده که با بحث نسبیت فرهنگی و آوانس دادن و معامله و امثالهم امیدوارند مثلاً تروریسم اسلامی را مهار کنند. یک نقش مایی که از ایران آمده ایم و ماهیت این دین را میشناسیم، ماهیت این جنبش اسلامی را میشناسیم، اینست که به جهان بگوییم که این جنبش چیست و چرا باید با آن در افتاد. من دعوت‌م از همه مردمی که از ایران آمده‌اند و لاجرم این پدیده را میشناسند اینست که علیه آن بلند بشوند. میشود شکست شان داد. میشود آنها را عقب راند و بنظر من یکی از نتایج شکست جمهوری اسلامی در ایران همین خواهد بود که سر جنبش اسلامی در یکی از نقاط مهم آن به سنگ بخورد. ... و بالاخره باید تشکر بکنم از وقتی که به من دادید.

رادیو انترناسیونال: ما هم تشکر میکنیم از شما.